

موقعیت تجاری افریقه و مغرب و نقش آن در تاسیس خلافت فاطمی فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 9 - بهار 81

دکتر محمدعلی جلونگر(*)

فاطمیان پس از دو دهه دعوت و فعالیت سیاسی، مذهبی و نظامی در افریقه و مغرب در سال 297 ه' موفق به تشکیل خلافت در قیروان شدند. از عواملی که به تشکیل این حکومت کمک کرد، موقعیت تجاری افریقه و مغرب بوده است. افریقه و مغرب دارای مراکز و جاده های بزرگ و مهم بازرگانی بود. وضعیت بازرگانی ویژه آن مناطق، جایگاه ممتازی را برای تشکیل خلافت فاطمیان فراهم کرد. این مقاله در پی بررسی نقشی است که مراکز و راه های بازرگانی و تجاری افریقه و مغرب در تاسیس خلافت فاطمیان داشته است.

واژه های کلیدی: بازرگانی و تجارت، افریقه، مغرب (مراکش)، فاطمیان.

مقدمه:

از حکومت های مهم تشکیل شده در ناحیه غرب عالم اسلام، خلافت فاطمیان در افریقه و مغرب است. ((1)) انتخاب افریقه و مغرب توسط فاطمیان به عنوان محل قیام، منحصر به زمینه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی موجود در آن منطقه نبوده است. در کنار آن ها بازرگانی منطقه ای عامل مهمی بوده، که تاکنون کمتر به آن توجه شده است. در این مقاله به بررسی زمینه های تجاری موجود در مغرب و افریقه که آن منطقه را حائز اهمیت کرده و توجه فاطمیان را برای تشکیل حکومت به خود جلب کرده است، پرداخته می شود. ویژگی بسیار مهم تجاری مغرب و افریقه چیزی نبود که از دید قیامگران فاطمی پنهان مانده باشد. نقش بازرگانی این منطقه در تجارت دریایی مدیترانه بسیار مهم بود و همین مسئله موجب شده موقعیت اقتصادی و بازرگانی مغرب و افریقه از زمان های دور مورد توجه قرار گیرد. داعیان فاطمی از ابتدای قیام خود، در پوشش تجارت در مناطق مغرب و افریقه رفت و آمد داشتند و کم و بیش نسبت به اوضاع بازرگانی و اقتصادی منطقه اطلاعاتی کسب کرده و این ناحیه را از جهت اقتصادی و تجاری مکانی مناسب برای ادامه کار تشخیص داده بودند.

موقعیت جغرافیایی و بازرگانی افریقه و مغرب

مغرب موقعیتی ممتاز میان شرق اسلامی و اسپانیای مسلمان و نیز میان صحرا و سودان از يك سو و مدیترانه از سوی دیگر داشت. سه منطقه مغرب که مسلمانان شرق بر آنها حکمرانی داشتند، هر کدام موقعیت مهمی داشتند. افریقه بر تنگه سیسیل تسلط داشت و مرکز قدیمی کارتاژ و منطقه ای سوق الجیشی به شمار مآمد. مغرب الاقصی مسلط بر تنگه جبل الطارق و معبر ایتالیا و اسپانیا بود. وضع حاشیه صحرا در کوهپایه اطلس متفاوت از دو منطقه دیگر بود. دامنه این منطقه بزرگ شرقی - غربی محل انشعاب مسیرهای ماورای صحرا بود و قرارگاه پایانه های شمالی راه های کاروان روی بود که مجموعه شبکه ارتباطی بلاد سودان((2)) - صحرا را تشکیل می دادند. همچنین از منطقه یاد شده به عنوان مآمن کویری صحرائشینان بربر ساکن در فلات های بلند استفاده می شد. حاشیه بخش مرکزی

ارتفاعات مغرب از شرق به غرب به صورت پلکانی است و از شمال به جنوب، یعنی از مدیترانه به سودان، امتداد دارد. ساحل با سلسله ای از کوه ها، تل اطلس، فلات های بلند، اطلس صحرا و بیابان به چند بخش تقسیم می شود. دشت های ساحلی نیز از هر طرف در افریقه و مغرب الاقصی گسترده اند. مشکلات گروه هایی مانند رومی ها که می خواستند بر جبهه های مرتفع مسلط شوند، ناشی از همین وضع جغرافیایی است.

در دنیای اسلام آن ایام، مغرب سرزمین سوق الجیشی مهمی محسوب می شد و از لحاظ افق ها و دیدگاه های تمدنی و هم چنین تماس و برخورد میان تمدن ها، پلی میان شرق و غرب عالم اسلام و نقطه اتصال میان سرزمین های متمدن بود. در دوره مسلمانان این منطقه از لحاظ جمعیت و شهرنگری رشد تازه ای یافت و به لحاظ تجاری شکوفا شد.

مغرب در حاشیه جاده های بزرگ بازرگانی قرار نداشته، بلکه یکی از شریان های آن را تشکیل می داد. تجار شرقی زیادی برای خرید طلا سودان که توسط سوداگران مغرب از طریق صحرا حمل می شد، به شهرهای شمال افریقا می آمدند. مغرب، در این زمان نقش مهمی در داد و ستدهای تجاری بین سرزمین های مدیترانه و مناطق دیگر ایفا می کرد. ((3)) گسترش تمدن اسلامی در این دوران تا اندازه زیادی مدیون مغرب است.

مراکز افریقه دارای تجارت فعالی با شرق مدیترانه و سیسیل و اسپانیا بودند. تونس به عنوان ناحیه سرحد اندلس بود و از آن جا برای عبور به اندلس استفاده می شد. ((4)) تونس نخستین بندری بود که با کشتی از آن جا به طرطوشه، واقع در ساحل اندلس می رفتند. ((قابس)) شهر صحرایی و مدیترانه ای، ورودی راه های سودان بود.

افریقه و مغرب محل عبور محصولات سودان، از قبیل طلا((5)) و واردات و صادرات تولیداتی مانند زعفران، پسته، پارچه، عاج، مروارید، اشیای تجملی و تولیدات غرب یعنی برده اسلاوی و پوست و شمشیر بود. ((6)) در کنار این محصولات، تجارت روغن زیتون نقش بسیار مهمی برای ساکنان نواحی غیر ساحلی افریقه و مغرب داشت. ((7))

اهمیت تجاری شهرهای مغرب و افریقه

همان طور که بیان شد در آن ایام مغرب و افریقه سرزمین عبوری میان حد غربی امپراتوری و شرق مسلمانان، نیز معبر اسپانیا و سیسیل از یک طرف و قلمرو مسلمانان و سرزمین سودان و صحرا از طرف دیگر بود. بدین سان شاهد ترقی و جهش قابل ملاحظه ای شد که بر تجارت با ماورای صحرا استوار بود. در نتیجه گونه های شهرنشینی را در شمال صحرا (سجلماسه و میزاب) تا سواحل نیجر رواج می داد. بنیاد گذاری و بسط شهرهایی همچون فاس و قیروان، با وجهه تجارت مغرب و نیز با ترقی گروهی از شهرهای عمده کاروانی، ارتباط داشت که پایانه (ترمینال) راه های دسترسی به طلا و بردگان بود.

در آن عصر، مغرب مرکز ثقل تجاری بود که میدان نفوذش کم و بیش تا نواحی مجاور گسترده شده بود. قلب هر دولت يك شهر تجاری بود که در محل تقاطع کاروان های صحرایی از يك سو و در شرق از سوی دیگر واقع شده بود.

در دوره حکومت اقلییان، قیروان نخستین، گسترش قابل ملاحظه ای یافت و دارای چهار شهر اقماری با نام های: قصر قدیم، رقاده، صبره و منصوریه بود. ((8)) اهمیت قیروان مانند قرطبه، ناشی از توسعه شهری حامی تجارت بود.

در بین شهرها، سجلماسه از نظر تجاری مهم ترین موقعیت را داشت. اگر به نقشه سمت غربی صحرای بزرگ نگاه کنیم، اهمیت تجاری سجلماسه آشکار می شود، چون بزرگ ترین دروازه به سوی شهرهای غربی سودان است. عمده راه های تجاری که از صحرا می گذرد، به این شهر منتهی می شود. ((9))

دو ویژگی موجب اهمیت اقتصادی این شهر شده بود:

1. وجود معادن طلا و نقره،

2. موقعیت تجاری شهر. آن جا بزرگ ترین بازار برای تجارت و تجار بود. در بازارهایش محصولات مختلف مغرب و افریقه و سودان مثل طلا، غیر مسکوک، پنبه، نمک، آبنوس، پوست، چوب، برده سیاه، واردات مغرب و اندلس، مصنوعات معدنی، منسوجات، ظروف و روغن معامله می شد. (10)) ائمه بنی مدرار مانند ائمه رستمیان در این معاملات شرکت می کردند. تجارت، سچلماسه را محل اجتماع مردم از هر فرقه و نحله قرار داده بود. در آن جا گروه ها و دسته هایی از سودان، مغرب، اندلس و جماعاتی از یهود حضور داشتند. رفاه اقتصادی مردم سچلماسه مورد توجه جغرافی دانان قرار گرفته است. یاقوت می گوید که مردم این شهر غنی ترین و ثروتمندترین افراد هستند. (11))

شهر سچلماسه به لحاظ موقعیت ممتازش همواره مورد ادعای حکومت های مغرب و اندلس بود. خلفای اندلس که شهر سبته واقع در آن سوی جبل الطارق را در تصرف داشتند، می کوشیدند راسا یا با قرار و پیمان با دیگران، روابط خود را با سچلماسه حفظ کنند، زیرا همان طور که ذکر شد، این شهر قرن ها یکی از مراکز داد و ستد طلا بود. (12))

از شهرهای مهم دیگر تجاری مغرب، تاهرت بود، که در اختیار اباضیه رستمی بود. (13)) این شهر بر راه های منتهی به جنوب مسلط بود. به علت موقعیت مهم تجاری تاهرت، (14)) در آن ایام عراق مغرب لقب داشت. (15)) گروه هایی از زنا ته که بازرگانانی صحرا گرد و در کارهای تجاری عمده وارد بودند و از شبکه های موجود در مغرب یا سودان استفاده می کردند، در تاهرت مستقر بودند. (16))

بهره وری فاطمیان از امکانات تجاری - اقتصادی مغرب و افریقه

در دوران ظهور اسلام، سرزمین های متمدن کهن در نتیجه بهره برداری از منابع خود، از رمق افتاده بودند. در مقابل سرزمین های جوان که در غرب دنیای اسلام قرار داشتند، به عرضه امکانات اقتصادی نو و استعدادهای انسانی دست نخورده و منابع مهم بالقوه پرداختند. سرزمین های تازه اهالی مشرق را به خود جذب کردند و فرقه ها و گروه هایی هم چون فاطمیان و قبل از آنان امویان اندلس، ادیسیان مغرب الاقصی و رستمیان مغرب الاوسط بر آن شدند که بخت خود را در این سرزمین ها بیازمایند. ماجرا جویانی از گروه های مختلف، نیز سوداگران و بازرگانان، هم چنین ادیبان و فرهیختگان که مجذوب مستمرهای کلان و طالب دست یابی به مقام های خالی در دولت های جدید اسلامی غرب بودند، رو به این سرزمین نهادند. (17))

مغرب دو نیروی بالقوه داشت که توجه قیام گران و طالبان قدرت و حکومت را به خود جلب می کرد: اول غنای نیروی انسانی. مغرب و افریقه از دورترین ایام گروه های بزرگ بردگان را به شرق می فرستاد. پس از آن نیز هنگامی که مناطق قابل دسترس آن به اسلام گرویدند و سرچشمه بردگی بسته شد، مخزن سربازانی شد که به یاری آنان فتوحات اسپانیا و سیسیل و نیز تسلط بر صحرا تا سودان انجام گرفت. این گروه های عظیم که دارای انگیزه های مادی و معنوی برای حمایت از دسته های قیام گر و قدرت طلب بودند، نیروی فوق العاده قدرتمندی بودند که بدون حمایت آنان امکان تشکیل هیچ کدام از حکومت های مستقلی که از قرن دوم هجری به بعد در مغرب و افریقه تشکیل شد، وجود نداشت.

غنای بالقوه دیگری که در دوران اسلامی به فعالیت رسید، فتح باب جامعه بربر به جانب صحرا و سودان بود. آن چه در نتیجه بازرگانی سودانی - بربری به جانب مدیترانه فرستاده می شد، طلا و مردان زنگی بود. طلا، قدرت بازرگانی را به ارمغان مآورد و زنگیان نیروی انسانی زراعت و کشاورزی و کار را تشکیل می دادند و کیفیت و ویژگی های رز می آنان قدرت مغرب بربر را تقویت می کردند.

در منطقه مغرب چند جاده تجاری وجود داشت. (18)) مهم ترین آن ها جاده ای بود که از

صحرای غربی می گذشت و پس از طی حاشیه اقیانوس اطلس به سجلماسه می رسید. نقطه مقصد این جاده سجلماسه بود. ((19)) طلا از این شهر راه شمال و اسپانیا را در پیش می گرفت و یا از کناره های نیل می گذشت و به شرق سرازیر می شد.

از قرن دوم هجری که حکومت های مغرب و افریقه توسعه قابل توجهی پیدا کردند، اکثر شهرها و نقاطی را که در جاده های بازرگانی واقع شده بود، به پایتختی برگزیدند. این شهرهای پایگاهی و ارتباطی یکی از عوامل پیشرفت شهرگری منطقه غرب و افریقه به شمار می رفتند. به عنوان نمونه می توان از فاس بر روی جاده اسپانیا و از تلمسان و تاهرت و قیروان روی جاده شرق یاد کرد.

از اهداف اقتصادی فاطمیان مانند دولت های قبلی مغرب و افریقه تسلط بر شهرها و راه های تجاری طلا بود، زیرا هر چه داد و ستد طلا در شهری بیش تر می شد، قدرت و اعتلای حکومت آن ناحیه فزونی می گرفت. به همین علت، حکومت های مغرب سعی می کردند شهرهای خود را در مسیر جاده طلا قرار دهند.

از بعضی منابع به دست می آید که سفر عبیدالله مهدی به همراه یک قافله تجاری به سجلماسه، یک حرکت تصادفی ((20)) و یا صرفاً برای فرار از بنی عباس و دیگر مخالفان نبوده است. احتمال دارد وی می خواست ضمن پیشبرد دعوت در آن ناحیه به شناسایی راه های به دست آوردن طلا بپردازد. ((21))

در این جا ریشه بسیاری از منازعات میان دولت ها و قبائل هم پیمان هر یک از آن ها روشن می شود. در واقع یکی از موضوعات اصلی منازعات، نظارت بر جاده طلا بود، نه حرص و آز ارضی. ((22))

چگونگی تاسیس و تحکیم پی در پی قدرت سه حکومت فاطمیان، مرابطون (448 - 541 هجری) و موحدون (524 - 668 هجری) در افریقه و مغرب در قرون وسطی به خوبی نشان می دهد که بین قدرت سیاسی و تصرف شهرها و مناطق عبور طلا رابطه مستقیم وجود داشته است. در هر سه مورد گروه های نسبتاً کم جمعیت تحت رهبری امیرانی که هدف های سیاسی و دینی شان از چارچوب قبیله تجاوز می کرد، توانسته اند بلافاصله پس از تصرف سجلماسه، دولت های بزرگی تاسیس کنند.

فاطمیان پس از آن که قیروان مرکز افریقه را تصرف می کنند، متوجه مرکز راه های تجاری طلا و معادن طلا و نقره سجلماسه می شوند تا ضمن آزادی عبیدالله مهدی، ((23)) ارباب راه هایی شوند که به سودان منتهی می گردید. این شهر کلید اقتصادی مغرب محسوب می شد و علاوه بر آن که مرکز داد و ستد طلای سودان بود، دارای معادن طلا و نقره فراوانی بود.

حضور یهودیان در این شهر و شرکت آنان در داد و ستد طلا و نقره، موقعیت تجاری این شهر را مهم تر کرده بود. ((24)) فاطمیان علاوه بر شهر سجلماسه، همه شهرهای دیگری را که نقشی در تجارت و اقتصاد منطقه داشتند، به تصرف در آوردند؛ شهرهایی مثل تلمسان، فاس و تاهرت. رهبران فاطمی چون در سلك تجار و پیوسته در حال تجارت بودند، توجه خاصی به مناطق تجاری داشتند. ((25)) اما شهرها گرچه از جهت مذهبی جزء پایگاه های فاطمیان در دوران قیام و خلافت نبود اما از جهت اقتصادی و تجاری مورد توجه آنان بود.

اهمیت جاده طلای سودان نظر بسیاری از مورخان و جغرافی دانان عرب به خصوص ادریسی ((26)) و البکری ((27)) را به خود جلب کرده است.

استفاده فاطمیان از راه های تجاری برای گسترش دعوت در افریقه و مغرب

موقعیت تجاری مغرب و افریقه علاوه بر آن که موقعیت ممتازی برای تشکیل حکومت فاطمیان از نظر اقتصادی فراهم کرد، موجب شد داعیان از مراکز و راه های تجاری برای گسترش دعوت خود استفاده کنند.

همان طور که اشاره شد، در قرن سوم هجری درکنار جاده تجاری بلاد سودان با مغرب شبکه ای از مراکز تجاری فعال به وجود آمد. کاروان های تجاری در سرتاسر مغرب در این راه ها در آمد و شد بودند. با وجود تعصب مذهبی که بین بعضی از حکومت های مغرب و افریقه وجود داشت و زمینه ساز درگیریهایی در قرن سوم و در آستانه قیام فاطمیان شده بود، این حکومت ها در موضوع تجارت با تسامح با یکدیگر برخورد می کردند. تسامح حکومت ها در اقتصاد و تجارت موجب شده بود همکاری اقتصادی بین مناطق تحت سلطه حکومت های رستمیان، بنی مدرار، اغلییان، ادرسیان و امویان اندلس به وجود آید. در این دوران مهم ترین شبکه های تجاری را در مغرب، خوارج اباضیه ایجاد کرده بودند. آنان در هر واحه ای، زاویه ای ایجاد نموده بودند. زاویه در اصل محلی برای عبادت بود، ولی در عمل به عنوان مراکز ملاقات و توقف و استراحت تجار استفاده می شد. در صحن زاویه، شب را به صبح می رساندند و در همان جا به معاملات تجاری می پرداختند. این شبکه تجاری در ابتدا در نواحی نفوسه، تاهرت و سجلماسه ایجاد شد، ولی بعدا همه نواحی صحرایی افریقه و مغرب را در بر گرفت. ((28))

راه ها و مراکز تجاری در مغرب قبل از فاطمیان در گسترش تشیع نقش آفرین بود. هواداران اهل بیت و تشیع اعتقادات خود را از طریق کاروان های تجاری به شهرها و مراکز تجارت بردند. با حرکت کاروان های تجاری، عادات، مذاهب، قصص و حتی لهجه ها منتقل می شد. شهرهایی که از طریق کاروان های تجاری به تشیع گرایش پیدا کردند، از پایگاه های عمده تشیع در مغرب شدند. گرایش اهالی شهرهایی مثل باغایه به تشیع به واسطه ارتباط این شهرها با مراکز تجاری و اقتصادی مغرب و تلاش داعیان بوده است. ((29)) قاضی نعمان به نقش و اهمیت تجار و کاروان های تجاری در گسترش تشیع در بعضی شهرها اشاره دارد. وی در مورد تشیع اهالی نطفه که سابقه پیش تری در پذیرش شیعه بین مناطق مغرب دارد ((30)) می گوید: ورود تشیع به نطفه توسط تجاری انجام گرفته که با مرماجنه داد و ستد داشتند. مرماجنه در نزدیکی همان شهری واقع شده بود که ابوسفیان، از داعیان اسماعیلی مغرب در آن سکونت داشت. تجار در رفت و آمدها با تعالیم ابوسفیان آشنا شده و به وی گرایش پیدا کردند و بعد از آن تشیع را به نطفه در منطقه قسطلیه بردند. ((31)) قسطلیه در دورترین ناحیه جنوب بود و از واردات حبوبات نواحی شمال استفاده می کرد. در مقابل ساکنان شمال از خرما نطفه در جنوب استفاده می کردند.

ادرسیان قبل از فاطمیان برای گسترش دعوت و قیام خود، از مراکز تجاری و بازار های بزرگ که برای قبائل تشکیل می شد، استفاده کرده بودند. آنان در ابتدای ورودشان به مغرب، از ولیلی که وسط راه فاس و مکناسه بود و مرکز تجاری مهمی برای عرضه کالاهای قبائل بود، استفاده می کردند. اهمیت این شهر مانند یک مرکز سیاسی مهم بود. ((32))

بین گروه ها و فرقه ها در قرن سوم هجری، اسماعیلیان و فاطمیان بیش از دیگران از طریق تجار و جاده های بازرگانی برای گسترش دعوت خود استفاده کردند. داعی اسماعیلی احمدبن ابراهیم النیسابوری در گزارشی که از شیوه کار داعیان قرن سوم هجری نشان داده است، به این مسئله اشاره می کند و می گوید: داعیان برای گسترش دعوت و یافتن امام اسماعیلی که با عنوان تاجر در سلمیه اقامت کرده بود ((33)) و با داعیان ملاقات می کرد، به سلمیه رفت و آمد می کردند. ((34))

فاطمیان از شهرها و شبکه های تجاری به صورت گسترده جهت اشاعه دعوت خود در افریقه استفاده کردند. فاصله زیاد بین افریقه و مراکز دعوت در سلمیه و یمن، برقراری ارتباط سریع بین داعیان و امام فاطمی را مشکل می ساخت. راه اطمینان بخشی که زمینه را برای ارتباط سهل کرد، وجود راه ها و کاروان های تجاری بود.

در بررسی دعوت فاطمیان در افریقه این نکته استنباط می شود که رهبران اسماعیلی در سلمیه و یمن از آن چه در افریقه و مغرب می گذشته، ((35)) سریعا اطلاع حاصل می کردند. این اطلاع رسانی با توجه به بعد مسافت، به نظر می رسد از طریق شبکه راه ها و کاروان های تجاری بوده است، مثلا اطلاع ابن حوشب از مرگ داعیان قبل از ابوعبدالله شیعی و بلافاصله بعد از آن فرستادن ابوعبدالله، شاید از این طریق انجام گرفته باشد. عبیدالله مهدی در سفر خود از مصر به طرف طرابلس از شبکه راه های تجاری بهره جست و

همراه یکی از قافله های تجاری، خود را به افریقه رساند. شاید از عواملی که موجب شد عبیدالله مهدی پس از خروج از طرابلس به جای حرکت به طرف قیروان به سجلماسه رود، همین موقعیت تجاری و شبکه راه های تجاری این شهر بوده است. همان طور که بیان شد، سجلماسه در منتهی الیه جاده ای بود که از صحرا می گذشت. از این رو، تجار بسیاری از شام، عراق، اندلس و مغرب در آن جا مقیم بودند. فردی که در سجلماسه ساکن می شد، به آسانی می توانست با شهرهای اطراف ارتباط برقرار کند. عبیدالله که از موقعیت تجاری شهر آگاه بود، همراه فرزندش القائم در هیأت و زی تجار در آن جا اقامت گزید((36)) و از آن جا با ابوعبدالله شیعی در ارتباط بود. ((37)) در واقع سکونت او در سجلماسه موجب شد که قیام فاطمیان از دو نقطه همزمان پیگیری شود: ابوعبدالله در افریقه و عبیدالله مهدی در مغرب الاقصی. عبیدالله مهدی در تماس با تجار عملاً زمینه گسترش دعوت را در نقاط مختلف مغرب و افریقه فراهم می کرد. از طرف دیگر داعیان همراه کاروان های تجاری به این شهر مآمند و با او تماس می گرفتند و دستورهای لازم را از او کسب می کردند.

نتیجه:

موقعیت جغرافیایی و تجاری افریقه و مغرب در قرون اولیه اسلامی توجه مدعیان قدرت را برای قیام و تشکیل حکومت جلب کرد. افریقه و مغرب از جاده های بزرگ بازرگانی برخوردار بودند. مراکز افریقه دارای تجارت فعالی با شرق مدیترانه و سیسیل و اسپانیا بودند. وضع ویژه آن مناطق جایگاه ممتازی را برای تشکیل حکومت فاطمیان از نظر اقتصادی فراهم کرد. از اهداف اقتصادی فاطمیان در انتخاب افریقه و مغرب، تسلط بر شهرها و راه های تجاری طلای آن مناطق بود. در پایان قرن سوم شبکه های مهم تجاری در افریقه و مغرب وجود داشت که قبل از حضور قیام کنندگان فاطمی تاسیس شده بودند. این راه ها و مراکز در گسترش تشیع در قرون دوم و سوم هجری تاثیر زیادی داشتند. فاطمیان بین گروه های قیام کننده ای که به آن مناطق آمدند، بیش از دیگران از مراکز و راه های بازرگانی موجود، برای گسترش دعوت خود استفاده کردند. آنان از طریق مراکز و راه های تجاری با مراکز اصلی دعوت در سلمیه و یمن ارتباط برقرار می کردند. عبیدالله مهدی از طریق جاده های تجاری با ابوعبدالله شیعی تماس برقرار می کرد. او در سفر خود از مصر به طرابلس و سجلماسه (مرکز بنی مدرار) از همین راه ها بهره جست. در واقع آن چه که پیروزی فاطمیان را تسریع بخشید و در مدت زمان کمی توانستند با سرتاسر افریقه و مغرب تماس برقرار کنند، مراکز و راه های تجاری بود.

پی نوشت ها:

*. استادیار دانشگاه اصفهان.

1. مغرب در منابع تاریخی و جغرافیای اسلامی به سرزمین های شمال افریقا از حدود غربی آن تا اقیانوس اطلس اطلاق شده است. این منطقه به سه قسمت تقسیم می گردد: مغرب الادنی (مغرب نزدیک)، مغرب الاوسط (مغرب میانه) و مغرب الاقصی (مغرب دور).

مغرب الادنی حدوداً شامل تونس است. این ناحیه که افریقه هم نامیده می شود، مرکزش در دوران اگلییان، قیروان و در دوره فاطمیان شهر مهدیه بود.

- تشکیل خلافت فاطمیان در این قسمت از مغرب تحقق یافت. مغرب الاوسط حدودا به الجزائر و مغرب الاقصى به مراکش تا شمال موریتانی گفته می شود.
2. سودان در کتب جغرافیایی و تاریخی گذشته، مفهومی وسیع تر از کشور سودان امروزی دارد و منطقه ای از ساحل غرب افریقا تا کوه های حبشه را در بر می گیرد که عمدتا از اراضی صحرايي، دشت و استپ تشکیل می شود. منطقه سنگال، دریاچه چاد و نیجر علیا، سودان غربی و حوزه علیا، سودان شرقی نامیده می شود. نیل علیا از نزارهای باتلاقی صعب العبوری می گذرد که آن نیز در سودان قرار دارد. (ر.ک به کالین مک ایودی، اطلس تاریخی افریقا، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ اول (تهران، نشر مرکز، 1365 ش) ص 52 .
3. ر.ک: ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری، المغرب فی ذکر بلاد افریقه و المغرب، تحقیق دوسلان (بغداد، مکتبه المثنی، بی تا) ص 2 - 14 طه ذنون، الفتح و الاستقرار العربی فی شمال افریقا و الاندلس (بغداد، دار الرشید، 1982 م) ص 55 .
4. البکری، پیشین، ص 37 و 84 طه ذنون، پیشین، ص 55 - 57 .
5. زکریابن محمد بن محمود قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول (تهران، امیر کبیر، 1373 ش) ص 85 . عمده ترین شهر بلاد سودان که طلا از آن صادر می شد، غانه بوده است. برای مطالعه بیش تر مراجعه شود به: ابوبکر احمد بن محمد الهمدانی المعروف بابن الفقیه، مختصر کتاب البلدان، الطبعة الاولى (بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1988 م) ص 83؛ البکری، پیشین، ص 174 - 183.
6. البکری، پیشین، ص 47 و 56 و 57 طه ذنون، پیشین، ص 55 - 56 مجهول المؤلف، الاستبصار فی عجائب الابصار، تصحیح سعد ذغلول عبدالحمید (بغداد، دارالشؤون العامه، 1986 م) ص 201.
7. ر.ک: ابو عبدالله بن محمد بن احمد التیجانی، رحله التیجانی، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب (تونس، الدار العربیه الكتاب، 1988 م) ص 65 - 66 عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله، معالم الايمان فی معرفه اهل القیروان، روایه ابن ناجی التیوخی، تحقیق ابراهیم شیوخ (قاہرہ مکتبه الخانجی، 1968 م) ج 1، ص 35 - 36 .
8. ر.ک: شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری الدمشقی، نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، الطبعة الاولى (بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1988 م) ص 314.
9. ر.ک: کالین مک ایودی، پیشین، ص 73 اسحاق بن حسین منجم، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهور فی مکان، ترجمه محمد آصف فکرت، چاپ اول (مشهد، آستان قدس رضوی، 1370 ش) ص 109.
10. ر.ک: ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تصحیح فیروز منصوری، چاپ اول (مشهد، شرکت به نشر، 1368) ص 63؛ مجهول المؤلف، حدود العالم من المشرق الی المغرب، تصحیح منوچهر ستوده (تهران، طهوری، 1362)؛ اصطخری، مسالك و ممالک، تصحیح ایرج افشار، (تهران، علمی و فرهنگی، 1368) ص 42؛ مجهول المؤلف، الاستبصار، ص 200 - 202؛ انصاری الدمشقی، پیشین، ص 315 - 316.
11. شهاب الدین یاقوت الحموی، معجم البلدان (بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1978 م) ج 3، ص 192
12. مجهول المؤلف: الاستبصار، پیشین، ص 202؛ زکریابن محمد بن محمود، پیشین، ص 85.
13. ر.ک: ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله المعروف بابن خردادبه، المسالك و الممالک، تصحیح محمد مخزوم، الطبعة الاولى (بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1988 م) ص 81.

14. ابو عبدالله محمد بن محمد بن ادريس الجمودى بالحسينى المعروف بالشرىف الادريسى، نزهة المشتاق فى اختراق الافاق (پورسعيد، مكتبه الثقافه الدينيه، بى تا) ج 1، ص 255 - 256.
15. ياقوت حموى، پيشين، ج 2، ص 8.
16. ر.ك: اصطخرى، پيشين، ص 46؛ كالبن مك ا يودى، پيشين، ص 67؛ البكرى، پيشين، ص 70 - 71 و 75 و 80 و 142 طه ذنون، پيشين، ص 57.
17. وجود خواهان قدرت و شهرت را در مغرب و اندلس بسيار مى توان ديد. از اين افراد مى توان از ابوالحسن على بن نافع، معروف به زرياب هنرمند و موسيقى دان ايرانى در اندلس ياد كرد. او از شاگردان اسحاق موصلى، موسيقى دان دربار هارون الرشيد عباسى بود. چون در آهنگ سازى بر استاد خود برترى يافته و توجه هارون الرشيد را به خود جلب كرده بود، موجب خشم و رشك اسحاق موصلى شد. زرياب كه از دربار امويان اندلس، رفاه، آسائش و توجه آنان به هنرمندان مشرق زمين اطلاع داشت، به حكم بن هشام (180-207 هجرى) نامه نوشت و با اذن او به اندلس رفت و مورد توجه واقع شد (ر.ك: احمد بن محمد المقرئ، الاندلس من نفع الطيب، (دمشق، منشورات وزارة الثقافه، 1990م) ج 3، ص 122-133.
18. ويل دورانت جاده هاى تجارى را كه مسلمانان در مغرب ايجاد كردند، سه جاده به طول 2500 تا 3200 كيلومتر معرفى مى كند كه اوج فعاليت آنان در قرن سوم هجرى / نهم ميلادى بوده است. (ر.ك: ويل دورانت، تاريخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمى و ديگران، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش اسلامى، 1368ش) ج 4، عصر ايمان، بخش اول، ص 363).
19. ر.ك: ابوالقاسم بن حوقل، صوره الارض (بيروت، دار مكتبة الحياه، بى تا) ص 65؛ ابو عبدالله مقدسى، احسن التقاسيم فى معرفه الاقاليم، تصحيح محمد مخزوم (بيروت دار احيا التراث العربى، 1987م) ص 191؛ سعدون عباس نصرالله، دوله الادارسه فى مغرب، (بيروت، دارالنهضة، بى تا) ص 143.
20. ابن حماد در مورد حركت عبيدالله مهدى به سوى سجلماسه مى گويد: ((\$) الى ان وصل الى سجلماسه اما بعلم سبق و انما بشىء اتفق)) (ابو عبدالله محمد بن حماد صنهاجى، اخبار ملوك بنى عبيد و سيرتهم، تحقيق النهامى نقره، عبدالحليم عويس، تونس، دارالقلم، 1987 م) ص 47).
21. حبيب جنجاى، دراسات التاريخ الاقتصادى والاجتماعى للمغرب الاسلامى (بيروت، دارالغرب الاسلامى، 1984 م) ص 176.
22. در اين جا سئوالى مطرح است كه به چه علت طلاى سودان در تحولات مغرب و شكل گيرى دولت هاى بزرگ افريقيه و مغرب چنان نقش مهمى ايفا كرده است، با وجودى كه مغرب نه منبع آن بوده و نه مقصد آن؟ از سودان مآمده و به شهرهاى بزرگ مصر و شرق اسلامى روانه مى شده است.
- براي پاسخ به اين سئوال بايد به عقب برگرديم. گمان مى رود تا قرن دوم يا سوم هجرى، روابط تجارى ميان سودان و مشرق مستقيماً از طريق صحراى خاورى صورت گرفته است. از اين قرن به بعد احتمالاً به سبب آشوب خوارج و صعوبت اقليمى و طوفان هاى شن و حملات بدويان، كاروانيان اجباراً به جاده صحراى غربى كه عبور از آن آسان تر است، روى مآورند و در نتيجه از مغرب و افريقيه عبور مى كنند.
- تغيير مسير حمل و نقل طلا را بايد يكي از موجهات پيشرفت مغرب و افريقيه شمرد. بى دليل نيست دولت هاى قدرتمندى كه در آن مناطق به وجود مآيند، بعد از تغيير مسير است. فاطمیان از اين مسئله جهت تحكيم موقعيت خود استفاده مى كنند. در واقع بايد گفت جاده طلا بسيارى از مسائل مربوط به اوضاع و احوال مغرب و افريقيه را روشن و قابل فهم مى سازد. (ر.ك به ابن حوقل، پيشين، ص 65).

23. ابوحنیفه قاضی نعمان، افتتاح الدعوه، تحقیق و داد قاضی (بیروت، دارالثقافه، 1970 م) ص 231 - 245.
24. ر.ک: مجهول المؤلف، الاستبصار، پیشین، ص 202 احمد مختار العبادی، فی تاریخ العباسی و الفاطمی (بیروت، دارالنهضة العربیه، بی تا) ص 229.
25. فاطمیان بعد از تشکیل خلافت هم توجه خاصی به مناطق تجاری داشتند. آنان با يك سلسله حملات به فاس، تلمسان و به خصوص سبته سعی کردند در برابر نفوذ خلفای اندلس در سحلماسه، سدی ایجاد کنند و بدین طریق نظارت بر بخش عظیمی از جاده را در اختیار بگیرند. فاطمیان به یاری طلا در سال های بعد، برای اجرای طرح بزرگ خود که فتح مصر بود، منابع مالی جنگ و لشکرکشی را فراهم آوردند و مصر را تصرف کردند. مقریزی بیان می دارد برای لشکرکشی به مصر بین سال های 358 تا 362 هجری، 24 میلیون دینار توسط فاطمیان هزینه شد. تقی الدین مقریزی، خطط (بیروت، دار صادر، بی تا) ص 352.
- شکوفایی اقتصادی مصر در عصر فاطمیان نیز تا حدود زیادی وابسته به طلای سودان بوده است. منبع عمده تأمین طلای مصر، در دوره قرون وسطی، بیش از هر زمان سودان غربی بوده است. مورخان و جغرافی دانان عرب از مقدار کاملاً خارق العاده طلا سخن می گویند که به سحلماسه یعنی انبار اصلی کالای تجارتي ماورای صحرا در جنوب شرقی مراکش می رسیده و از آن جا در طول ساحل مدیترانه ای دره نیل پیش رفته است. در نتیجه مصر که طلای سودان غربی بدان جا سرازیر می شد، همواره به عنوان سرزمینی توصیف شده که از نظر طلا بسیار ثروتمند است. ثعالبی می گوید: ((از مختصات آن جا فراوانی دینار (سکه زر) در آن سرزمین است. گفته اند هرکس به مصر رود و از خواسته بی نیاز نشود، هرگز خدا او را بی نیاز نخواهد کرد)).
- (ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری، لطائف المعارف، ترجمه علی اکبر شهبازی خراسانی (مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1368 ش) ص 214 - 213.
26. ادریسی، نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، پیشین، ج 1، ص 23 - 25، 44، 103 - 105.
27. البکری اندلسی، پیشین، ص 172 - 183.
28. حسین مونس، معالم المغرب (قاهره، دارالرشد، 1997 م) ص 120 - 122.
29. موسی اقبال، دور کتامة فی تاریخ الخلافة الفاطمیه منذ تاسیسها الی منتصف القرن الخامس الهجری 11 م (الجزائر، الشركة الوطنیه للنشر، 1976) ص 217.
30. البکری در مورد سابقه تشیع نطفه گوید که تمام ساکنان نطفه در عصر محمد بن یوسف وراق جغرافی دان، شیعه بودند و به همین جهت این شهر به کوفه صغری مشهور شده بود. بعضی از علمای شهر که به بدلی شهرت یافته بودند، از آن جا به گسترش عقائد شیعه بین ساکنان ناحیه سوس قبل از ظهور ابو عبدالله شیعی در افریقه و مغرب پرداختند. (ر.ک: البکری، پیشین، ص 67).
31. قاضی نعمان، پیشین، ص 54 - 55؛ قاضی نعمان، شرح الاخبار، تحقیق محمدالحسینی الجلالی (قم، موسسه النشر الاسلامی، 1412 هـ) ج 3، ص 413.
32. حسین مونس، معالم المغرب، ص 126.
33. احمد بن ابراهیم النیسابوری، استنارالامام علیه السلام و تفرق الدعاه فی الجزائر لطلبه، گردآوری و تصحیح سهیل زکار؛ الجامع فی اخبارالقرامطه فی الاحسا - الشام - العراق - الیمن، الطبعة الاولى (دمشق، داراحسان، 1407 هجری / 1287 م) ج 1، ص 271 - 274.
34. النیسابوری در مورد تفصیل کار داعیان برای گسترش دعوت و یافتن امام می نویسد: وقتی امام اسماعیلی، خود را حتی از دید داعیان پنهان کرد، چند نفر از داعیان به نام های ابوغفیر، ابوسلمه، ابوالحسن بن الترمذی، حیاد بن الخثعمی،

احمد بن الموصلی، ابو محمد الکوفی در شهر عسکر مکرم اجتماع کردند و برای یافتن امام منعهد شدند. آنان در هیات تجار و فروشندگان، اقالیم مختلف را پیمودند. وقتی در يك مکان امام را نمی یافتند، به مکان و شهر دیگری می رفتند. آنان به شهرهای حلب، الجزیره، حمص و معره النعمان رفتند تا در نهایت امام را در معره النعمان در کوهستان السماق در دیری یافتند. سپس در صدد بر آمدند مکانی برای اقامت امام بیابند. از بین مناطق، سلمیه را انتخاب کردند. عامل اصلی این انتخاب موقعیت تجاری این ناحیه بود، زیرا سلمیه شهری بود که تجار به آن میآمدند و دوست نمی داشتند از آن بروند و از حاکم شهر درخواست می کردند به آنان اجازه سکونت دهد. هر قسمتی از شهر در اختیار یکی از تجار بود. این تجار از نواحی مختلف مثل بلخ، مدینه الرسول، حلب، رقه و... بودند. امام اسماعیلی هم در سلمیه به عنوان يك تاجر بصری اقامت کرد و داعیانش را به صورت مخفی به مناطق مختلف می فرستاد. (همان: ص 271 - 273).

35. تقی الدین مقریزی، اعطاء الحنفی، تحقیق جمال الدین اشیاال (قاهره، وزاره الاوقاف، 1416 ق) ج 1، ص 55.

36. مجهول المؤلف، الاستبصار فی عجائب الامصار، پیشین، ص 202.

37. احمد بن ابراهیم النیسابوری، پیشین، ص 284.

منابع:

- ابن حماد الصنهاجی، ابو عبدالله محمد، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، تحقیق التهامی نقره، عبدالحلیم عویس (تونس، دارالقلم، 1987 م).
- ابن حوقل، ابوالقاسم، صوره الارض (بیروت، دارالمکتبه الحیاه، بی تا).
- ابن خردادبه، ابوالقاسم، المسالك و الممالك، تصحیح محمد مخزوم (بیروت، دار احیا التراث العربی، 1988 م).
- ابن عبدالله، عبدالرحمن بن محمد، معالم ایمان فی معرفه اهل القیروان، روایه ابن ناجی التلوخی، تحقیق ابراهیم شبوح (قاهره، مکتبه الخانجی، 1968 م).
- ابن الفقیه، ابوبکر احمد بن محمد، مختصر کتاب البلدان (بیروت، دار احیا التراث العربی، 1988 م).
- ادیسی، ابو عبدالله محمد بن محمد بن محمد بن محمد، نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، پورسعید (بیروت، مکتبه الثقافه الدینیة، بی تا).
- الانصاری دمشقی، شمس الدین، نخبه الدهر فی عجائب البر والبحر (بیروت، دار احیا التراث العربی، 1988 م).
- البکری، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز، المغرب فی ذکر بلاد افریقیه و المغرب، تحقیق دوسلان (بغداد، مکتبه المثنی، بی تا).
- التیجانی، ابو عبدالله بن محمد بن احمد، رحله التیجانی، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب (تونس، الدارالعربیة الکتاب، 1988 م).
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک، لطائف المعارف، ترجمه علی اکبر شهابی خراسانی (مشهد، آستان قدس رضوی، 1368 ش).
- جنحایی، حبیب، دراسات فی تاریخ الاقتصادی و الاجتماعی للمغرب الاسلامی (بیروت، دارالغرب الاسلامی، 1984 م).

- جيهانى، ابوالقاسم بن احمد، اشكال العالم، ترجمه على بن عبدالسلام ثابت، تصحيح فيروز منصورى (مشهد، شركت به نشر، 1368 ش).
- دورانت، ويل، تاريخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمى و ديگران (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامى، 1368 ش) جلد4.
- ذنون، طه، الفتح و الاستقرار العربى فى فتح شمال افريقيا و الاندلسى (بغداد، دارالرشيد، 1982 م).
- العبادى، احمد مختار، فى التاريخ العباسى و الفاطمى (بيروت، دارالنهضة العربيه، بى تا).
- قاضى نعمان، ابوحنيفه، افتتاح الدعوه، تحقيق وادقاضى (بيروت، دارالثقافه، 1970 م).
- قاضى نعمان، ابوحنيفه، شرح الاخبار، تحقيق محمدالحسينى الجلالى (قم، مؤسسه النشر الاسلامى، 1412 ق).
- قزوينى، زكريا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگير ميرزا قاجار، تصحيح ميرهاشم محدث (تهران، امير كبير، 1373 ش).
- مجهول المؤلف، الاستبصار فى عجائب الابصار، تصحيح سعد ذغلولى عبدالحميد (بغداد، دارالشؤون العامه، 1986 م).
- مجهول المؤلف، حدود العالم من المشرق الى المغرب، تصحيح منوچهر ستوده (تهران، طهورى، 1362 ش).
- المقرئ، احمد بن محمد، الاندلس من نفع الطيب (دمشق، منشورات وزاره الثقافه، 1990 م).
- مقرئى، تقى الدين، اتعاظ الحنفيا، تحقيق جمال الدين الشيبان (قاهره، وزارت اوقاف، 1416 ق).
- مقرئى، تقى الدين، خطط (بيروت، دار صادر، بى تا).
- مك ايودى، كالين، اطلس تاريخى افريقيا، ترجمه فريدون فاطمى (تهران، نشر مركز، 1365 ش).
- منجم، اسحاق بن حسين، آكام المرجان فى ذكر المدائن المشهور فى مكان، ترجمه محمد آصف فكرت (مشهد، آستان قدس رضوى، 1370 ش).
- مونس، حسين، معالم المغرب (قاهره، دارالرشيد، 1997 م).
- النيسابورى، احمد بن ابراهيم، استتار الامام عليه السلام و تفرق الدعاه فى الجزائر لطلبه، در مجموعه ((الجامع فى اخبار القرامطه))، تصحيح سهيل زكار (دمشق، دار احسان، 1407 ق).
- ياقوت الحموى، شهاب الدين، معجم البلدان (بيروت، دار احيا التراث العربى، 1978 م).